



www.Persiangulfstudies.com

معنی است که بسته شدن چنین تنگه ای قیمت پر نوسان نفت در بازار جهانی را پرنوسان تر خواهد کرد. پس باید از نفت به عنوان وسیله ای یاد کرد که ممکن است مانع از هجوم نظامی به ایران شود.

تحلیل زیر با عنوان (تنگه هرمز در کانون رویارویی ایران و آمریکا) نوشته ای است از حسام سویلم، نویسنده عرب، که در پایگاه اینترنتی مرکز مطالعات استراتژیک الاهرام منتشر شده است. نویسنده در این مقاله تلاش کرده است چنین القاء کند که عملی شدن تهدید ایران مبنی بر مسدود کردن تنگه هرمز باتوجه به اهمیت بسیار بالای این تنگه، مشکلاتی را برای تمامی منطقه در پی خواهد داشت. وی با توجه به اینکه خود یک افسر عالیرتبه بازنشسته است، به تحلیل خود هویتی نظامی داده است. در نتیجه بیش از آنکه به اهمیت تنگه هرمز از نظر اقتصادی بپردازد به اهمیت آن از نظر ژئوپلتیکی توجه کرده است و با اشاره ای گذرا به نقش آن در اقتصاد جهان باردیگر به بیان پیامدهای نظامی مسدود شدن تنگه هرمز روی آورده است. در هرحال این تحلیل می تواند نوع نگاه برخی از مراکز مطالعاتی منطقه و همچنین رویکرد برخی از تحلیلگران منطقه ای را به مناسبات ایران و غرب در پرونده هسته ای، آشکارتر کند.

اهمیت استراتژیک تنگه هرمز

موقعیت ژئواستراتژیکی خاورمیانه سبب شد این منطقه از جهان از دیر باز اهمیت فوق العاده ای داشته باشد، خاورمیانه از طریق دریای عمان و اقیانوس هند، پل اتصال آسیای مرکزی به آسیای غربی است و از طریق دریای سرخ به آفریقا متصل می شود. امروزه عامل دیگری بر این اهمیت افزوده است و آن وجود اقیانوس بی حد و مرز نفتی در این منطقه از جهان است. ذخایری که 730 میلیارد بشکه برآورد می شود. به این ویژگیها باید ویژگی دیگری نیز افزوده شود و آن وجود تنگه هرمز در خاورمیانه است. تنگه ای که در ورود نفتهای صادراتی به کشورهای مصرف کننده به ویژه کشورهای صنعتی به شمار می آید. این تنگه روزانه محل انتقال بیش از 17 میلیون بشکه نفت به بازار جهانی است.

از نظر ژئوپلتیکی نیز تنگه هرمز اهمیت به سزایی دارد. زیرا این تنگه خلیج (فارس) و دریای عمان را به هم ربط می دهد. بدین سبب در فهرست کانالهای مهمی است که دو دریای آزاد را به هم متصل می کند. دو دریایی که در حاشیه آنها کشورهای عربی و ایران قرار دارند. در نتیجه تنگه هرمز از نظر حقوقی در ردیف تنگه های بین المللی است.

روزانه 20 تا 30 نفتکش از تنگه هرمز می‌گذرند. این یعنی بیش از 40 درصد نفت جهان از این تنگه عبور می‌کند.

تنگه هرمز بین ایران در شمال و شمال غربی و عمان در جنوب قرار گرفته است، در فاصله بین ساحل شمالی و جنوبی، جزیره‌های بزرگ و کوچکی وجود دارد که هفت جزیره آن متعلق به ایران است و چند جزیره صخره‌ای تحت حاکمیت دولت عمان است.

نیروهای نظامی ایران، از جانب شمال، از طریق پایگاه نیروی دریایی در بندرعباس، از ناحیه جنوب غربی از طریق جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، بر این تنگه اشراف دارند و به نوعی حرکت کشتی‌ها کاملاً زیر نظر آنان است.

در زمان جنگ هشت ساله عراق با ایران، مسئولان ایرانی بارها تهدید کردند که این تنگه را به روی حمل و نقل‌های بین‌المللی می‌بندند. این تهدیدها سبب شده بود، برای مدت زمانی مبحث جنگ نفتکشها مطرح شود. در چنین شرایطی نفتکشهای کویتی مجبور بودند با حمایت آمریکا از این تنگه عبور کنند. این تهدیدات در همان دوران با واکنشهای تندی مواجه شده بود چرا که این تنگه از شریانهای امدادهای نفتی به کشورهای صنعتی به شمار می‌آید و چشم‌پوشی کردن از اهمیت آن به سادگی میسر نیست. اوج این واکنشها زمانی بود که هاشمی رفسنجانی رسماً اعلام کرد، ایران نیازی به این تنگه ندارد و اگر شرایط پیچیده شود این تنگه را خواهیم بست.

امروز و با پیش کشیده شدن بحث داغ پرونده هسته‌ای ایران به همراه مشکلات آمریکا در عراق، صدور دو قطعنامه تحریم علیه ایران در شورای امنیت و فراهم آمدن زمینه برای صدور سومین قطعنامه و احتمال کردن نهادن ایران به شرط توقف غنی‌سازی اورانیوم، آمریکا بهانه لازم برای هجوم به ایران را بدست خواهد آورد. اما این هجوم بار دیگر، مبحث تنگه هرمز را در محافل مختلف مطرح خواهد کرد. زیرا این تنگه اهرم مناسبی در دست ایران است که می‌تواند در مانورهای سیاسی، نفتی و استراتژیکی به کار آید.

طرح ایران برای کنترل تنگه هرمز

در گزارش سرویسهای اطلاعاتی غرب از طرح ایران برای تسلط کامل بر تنگه هرمز و بستن زود هنگام آن در صورت بروز جنگ با آمریکا سخن به میان آمده است. این طرح با توجه به اینکه ایران در ساحل شرقی خلیج (فارس) 700 پایگاه مختلف از جمله بنادر، لنگرگاهها، جزایر و ... در اختیار دارد امری شدنی است. زیرا این کشور می‌تواند در صورت بروز جنگ، با استقرار موشک در این مناطق یا تجهیز قایقهای تندرو به مواد انفجاری و همچنین

مین گذاری در آبراهها، خواسته خود را عملی سازد. ایران برای عملی کردن نقشه خود وسایل مورد نیاز را نیز در اختیار دارد.

دستاوردهای ایران در زمینه تسلیحات نیروی دریایی

در مانورهای اخیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش ایران دستاوردهای نیروهای مسلح ایرانی در بخش تسلیحات دریایی به نمایش گذاشته شد. در مانور رسول اعظم 1 که در مارس 2006 اجرا شد نوعی زیردریایی کوچک اما توسعه یافته، به نمایش گذاشته شد که قدرت بالایی در نقل انتقال نیروهای کوماندویی دارد. یکی دیگر از دستاوردهای قابل ذکر ایران، نمایش موشک دریا به دریای پیشرفته ای بود که قادر است با سرعت 100 متر در ثانیه اهدافی چون کشتیهایی جنگی و زیردریایی ها را هدف قرار دهد. این سرعت چهار برابر بیشتر از سرعت هرنوع کشتی جنگی است ضمن آنکه این موشک قابل ردیابی نیست ، نمایش موشکهای ساحل به دریا و نوعی هواپیمای آبی غیر قابل رویت با رادار، از فناوریهای دیگر تسلیحاتی ایران بود که اخیرا به نمایش درآمد. ضمن آنکه این مانور، موشکهای پیشرفته ای را معرفی کرد که به سادگی قادر است، تمامی کشورهای خلیج (فارس) و دریای عمان را در زمره اهداف خود قرار دهد.

طرح آمریکا برای تسلط بر تنگه هرمز

گزارشهای اطلاعاتی نشان می دهد آمریکا آمادگی خود را برای هجوم به ایران کامل کرده است و تنها در پی زمان مناسب است. زمانی که گفته می شود قبل از پایان دوران ریاست جمهوری بوش یعنی اواخر سال 2007 یا اوایل 2008 است. این فرصت بدین خاطر است که می خواهند در سایه تحریمهای سازمان ملل علیه ایران و امکان پاسخ ندادن ایران به خواسته های بین المللی، توجیه مناسبی برای آغاز هجوم را بدست آورند. هجومی که براساس فصل هفتم منشور ملل متحد به اجرا در خواهد آمد.

آمریکا از زمانی خود را برای هجوم به ایران آماده کرد که دو گروه از ناوهای هواپیمابر خود را با 35 شناور از جمله ناو هواپیمابر ایزنهاور و استینس را به منطقه گسیل داشت تا به واحدها و تجهیزات نظامی دیگر این کشور در منطقه بپیوندند. آمریکا میزان جنگنده های خود در منطقه را به 150 فروند رساند. 50 فروند جنگنده دیگر آمریکا از جمله اف-15 و اف-16 نیز در پایگاههای آمریکایی در منطقه (کشورهای عربی و ترکیه مستقر هستند) و انتظار می رود به این آمار 40 فروند جنگنده دیگر از نوع بی-1 ، بی-2 ، بی-52 که از پایگاههای داخل خاک آمریکا،

انگلیس و پایگاه دیه گو گارسیا در اقیانوس هند به پرواز در خواهند آمد اضافه شود. در همین حال منابع آمریکایی فاش ساختند که آمریکا و قطر برای توسعه پایگاه نظامی العدید در خاک قطر که در آن جنگنده های اف 117 (شبح) مستقر هستند به توافق رسیدند.

انتظار می رود در صورت آغاز جنگ، آمریکا از 200 فروند موشک پیشرفته تام هاک نیز کمک بگیرد. این موشکها از ناوهای جنگی آمریکایی مستقر در آبهای خلیج فارس شلیک می شوند. ضمن آنکه برای شلیک برخی از انواع موشکها، از بمب افکنهای بی-52 استفاده خواهد شد. آمریکا اخیرا زیر دریایی های ویژه ای را وارد آبهای خلیج فارس کرد که مأموریت آن پاک سازی آنها از مینهای است که ممکن است ایران در مسیر حرکت کشتیها قرار دهد. البته از این لشکر کشی تجهیزاتی آمریکا می توان تعبیراتی دیگری نیز داشت. ممکن است با هدف ممانعت از بسته شدن تنگه هرمز باشد یا می تواند در چارچوب مقابله با هجوم احتمالی زود هنگام ایران به منافع آمریکا در منطقه باشد. زیرا احتمال وقوع چنین هجومی در صورت اطمینان ایران از تصمیم آمریکا برای هجوم به این کشور، بعید به نظر نمی رسد.

با این اوصاف نمی توان، تاسیسات هسته ای ایران را تنها هدف آمریکا در صورت هجوم به ایران دانست. بلکه برخی از اهداف نظامی ایران چون پایگاههای نظامی سپاه پاسداران، پایگاههای دریایی ارتش، پایگاههایی که در خود تجهیزاتی چون موشک، قایقهای نظامی و... جای داده اند به ویژه محل استقرار موشکهای بالستیک شهاب 3 در صدر اهداف آمریکا خواهد بود. چراکه هجوم به این پایگاهها می تواند ضربات انتقامجویانه ایران را کاهش دهد. در حقیقت تاسیسات هسته ای ایران تهدید اصلی آمریکا در صورت بروز جنگ نیست بلکه پایگاههای نظامی ایران تهدید اول در زمان روشن شدن شعله های جنگ خواهد بود.

آمریکا می داند که استقرار موشکهای شهاب 3 در پایگاههای مختلف، تهدید بزرگی برای پایگاهها و منافع غرب در منطقه خاورمیانه و همچنین تهدیدی بزرگ برای اسرائیل خواهد بود. ضمن آنکه نیروهای سپاه پاسداران نیز در زمانی که فرصت کافی برای ورود به عرصه رویارویی با آمریکا در خاک عراق را بیابند منافع آمریکا و انگلیس را به شدت تهدید خواهند کرد. این تهدیدها زمانی تشدید خواهد شد که ایران با استفاده از تجهیزاتی چون قایقهای پیشرفته و تندروی نظامی، نفتکشها را در آبهای خلیج فارس و دریای عمان زمین گیر کند. در نتیجه اولویت آمریکا در زمان آغاز هجوم به ایران مراکز و تاسیسات نظامی خواهد بود.

انتظار می رود در صورت آغاز هجوم، قبل از هر چیز بمب افکنهای بی-1 و بی-2 پایگاههای استقرار موشک های شهاب و همچنین پایگاههای سپاه را هدف قرار دهند. پس از آن جنگنده های اف-117 برای ایجاد شکاف در سامانه دفاع هوایی ایران به ویژه در بخش موشکهای زمین به هوای تور ام-1 که اخیرا ایران از روسیه تحویل گرفت وارد عمل شوند. همچنین هجوم هوایی برای سرکوبی نیروهای دریایی و زمینی در پایگاه دریایی بندرعباس و نیروهای مستقر در جزایر جنوبی ایران چون ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک که بر تنگه هرمز اشراف دارند نیز از اهداف اولیه آمریکا خواهد بود. موفقیت آمیز بودن این عملیاتیهای به معنی اشغال تنگه هرمز از طرف نیروهای آمریکایی است.

استقرار آمریکا در این تنگه، کار پاک سازی گذرگاه آبی هرمز و جزایر خلیج (فارس) را در پی خواهد داشت. البته انتظار این است که کار تسلط بر تنگه هرمز 2 تا 3 روز به طول انجامد.

استقرار آمریکا در تنگه هرمز، گسترده تر شدن دامنه تهاجم به پایگاههای نظامی در داخل خاک ایران و پایگاههای موشکی این کشور را به همراه خواهد داشت. اما در هجوم به تاسیسات هسته ای از جمله تاسیسات فرآوری اورانیوم اصفهان و تاسیسات غنی سازی اورانیوم و ساخت سانتریفیوژها در نطنز و همچنین راکتورهای آب سنگین و جداسازی پلوتونیم اراک با استفاده از بمب هایی خواهد بود که تا عمق 30 متر در زمین نفوذ می کنند. به کارگیری بمب های جی بی یو-28 ، جی ال یو-109، بی-69 با قدرت یک کیلو تن (معادل 1000 تن مواد منفجره) به کار گرفته خواهد شد. استفاده از چنین بمب هایی به معنی نابودی کامل تاسیسات هسته ای ایران و هر آنچه در آن است خواهد بود.

فعالیت جاسوسان آمریکایی در داخل خاک ایران نیز مرحله دیگر طرح هجوم آمریکا به ایران است. این ماموریت با هدف شناسایی برخی از اهداف در داخل خاک ایران به اجرا گذاشته می شود تا هجوم به این پایگاهها برای جنگنده های آمریکایی آسان تر شود. ترور و ربودن برخی از شخصیتهای ایرانی نیز می تواند یکی از ابعاد دیگر این ماموریت باشد، ضمن آنکه این اقدام می تواند نظام تهران را با مشکلی دیگر در داخل یعنی با جبهه ای داخلی روبرو سازد. برای گشودن جبهه داخلی به کارگیری نیروهای ایرانی علیه ایران در دستور کار آمریکا است. مثلا یکی از گزینه های آمریکا در این زمینه، بهره گیری از نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) است.

اما یکی از گزینه های ایران برای مقابله با آمریکا در آبهای منطقه ای، در هم شکستن کشتیهای جنگی آمریکا با هدف غرق کردن نیروهای آمریکایی است که عملی شدن این نقشه، تبلیغاتی شکننده علیه آمریکا را در جهان در پی خواهد داشت. زیرا این اقدام به معنی وارد آمدن زیان مالی و جانی سنگین بر آمریکاست و چنین تبلیغاتی پیامدهای ناگواری

برای آمریکا خواهد داشت. این اقدام یادآور انهدام ناو آمریکایی در پرتل هاربور در آغاز جنگ جهانی دوم است، که سبب شد آمریکا با ژاپن وارد جنگ شود و شهرهای ناکازاکی و هیروشیما را با بمب هسته ای مورد هدف قرار دهد. در نتیجه آمریکا برای اعاده حیثیت، به استفاده از برخی سلاحهای هسته ای خاص، علیه مراکز و مناطق بسیار مهم در ایران چون محل اختفا و استقرار سران نظام ایران روی خواهد آورد.

فاجعه جهانی:

تصمیم ایران به بستن تنگه هرمز در صورت آغاز هجوم نظامی به این کشور فاجعه اقتصادی برای دنیا به بار خواهد آورد. قدرت نمایی ایران برای پاسخ دادن به آمریکا اگر از راه مسدود کردن تنگه هرمز باشد، سبب می شود برخی از کشورهای دیگر نیز وارد ائتلافی با آمریکا شوند، زیرا پیامد بسته شدن تنگه هرمز، دامن گیر کشورهای کوچک و بزرگ خواهد شد و باردیگر در جهان، شرایطی مشابه با بحران اجتماعی دهه هشتاد قرن گذشته که ناشی از جنگ دوم جهانی بود به وجود خواهد آمد.

عملی شدن تمرین های نظامی اخیر نیروهای مسلح ایران با هدف مقابله با هجوم آمریکا و شکستن هیبت آمریکا در آبهای خلیج (فارس) ممکن است چنانچه گفته شد آمریکا را به استفاده از بمب اتم علیه ایران وادارد که این اتفاق به معنی پایان عمر نظام ایران و زیانهای مادی و جانی فراوان برای ملت ایران است. زیانهایی که حتی تا پنجاه سال بعد نیز قابل جبران نخواهد بود. ضمن آنکه چنین جنگی، آلودگی گسترده هسته ای را برای منطقه به همراه خواهد داشت و آثار مخرب اینگونه آلودگی های زیست محیطی برای سالهای طولانی ساکنان منطقه را عذاب خواهد داد.

راه حل های موجود برای کاهش آثار بسته شدن تنگه هرمز

- آمریکا مدتهاست سیاست افزایش هرچه بیشتر ذخایر نفتی خود را پیگیری می کند.
- آمریکا سیاست جایگزین کردن نفت مناطق دیگر به جای نفت خلیج فارس را پیگیری می کند و بر همین اساس کشورهای حوزه دریای خزر، شمال اروپا، آمریکای لاتین و روسیه را به اکتشاف و تولید بیشتر نفت تشویق می کند.
- کنگره آمریکا پیشاپیش قانونی تصویب کرده بود که براساس آن واردات بیش از 15 درصد نفت مورد نیاز داخلی از یک منبع ممنوع شده است.

- کشورهای عربی از جمله شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به خاطر شرایط حاکم بر منطقه، در سالهای دور برای مقابله با برخی از دشواریهای قابل پیش بینی توافق کرده بودند. عمر برخی از این توافقاتها به بیش از دو دهه می رسد. در نتیجه چندان ارتباطی به رویارویی ایران و آمریکا ندارد. وزرای حمل و نقل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج (فارس) در سالهای دور، توافق کرده بودند که در شرایط اضطراری، عبور برخی از محموله ها چون محموله های نفتی از گذرگاههای موجود در این کشورها بلامانع باشد و در حقیقت این گذرگاهها در شرایط حاد جایگزین تنگه هرمز و باب المندب شوند.
 - عربستان با توجه به ثروت نفتی ای که در اختیار دارد می تواند با افزایش تولید و صادرات آن از طریق خط لوله های نفت، بخشی از مشکلات بازار نفت جهان را کاهش دهد. تولید عربستان در حال حاضر 5/5 میلیون بشکه در روز است و لوله های نفتی موجود در خلیج فارس نیز چندان مورد استفاده این کشور قرار نمی گیرند، (خط لوله ای که از عراق آغاز و از عربستان می گذرد و قدرت انتقال 1/6 میلیون بشکه در روز را داراست از زمان اشغال کویت بدست صدام تاکنون بلااستفاده مانده است. ضمن آنکه خط لوله نفتی دیگری نیز از عراق آغاز و به شمال غربی ترکیه و از آنجا به سواحل مدیترانه می رسد. این خط لوله قدرت انتقال 1/2 میلیون بشکه در روز را داراست.)
 - عربستان و امارات می توانند در طرحی مشترک خط لوله جدیدی را از شبه جزیره مسندم عمان به دریای عمان بکشند.
- اما با وجود این گزینه ها، همچنان اعتقاد براین است که در صورت بسته شدن تنگه هرمز، این طرحها و حتی طرحهای جایگزین دیگر ، نمی توانند نیاز بازار جهانی به قطع صادرات 18 میلیون بشکه نفت در روز را برطرف کنند.

خلاصه

ارزش نفت در اقتصاد جهان به ویژه برای کشورهای صنعتی و ذکر این نکته که بیش از 40 درصد نفت مورد نیاز جهان از تنگه هرمز عبور می کند گویای این واقعیت است که بی تردید، اگر تنگه هرمز مسدود شود ، آثاراقتصادی و اجتماعی آن بر تمامی منطقه و جهان، بسیار گسترده خواهد بود. در این راه حتی طرحهای جایگزین نیز قادر نخواهند بود حجم این آثار را کاهش دهند. زیرا طرحهای جایگزین قادر نخواهند بود، پاسخگویی نیاز بازار جهان به

روزانه 18 میلیون بشکه نفتی باشند که از تنگه هرمز می‌گذرد و مسدود شدن این تنگه این حجم انبوه صادرات نفت را به غرب متوقف خواهد کرد.

بسته شدن تنگه هرمز، به ویژه برای کشورهای که دارای مخازن نفتی قابل ذکر نیستند یک فاجعه اقتصادی بزرگ به شمار می‌آید.

اگر تنگه هرمز بسته شود آثار منفی آن گریبان ایران را نیز خواهد گرفت و حتی انتظار می‌رود آثار زیانبار آن بر ایران بیش از زیان بر کشورهای عربی باشد. تکیه اقتصاد ایران بر نفت است و تاسیسات نفتی ایران نیز تاسیساتی فرسوده است. این اقدام ایران، سرمایه‌گذاری در بخش نفت این کشور را کاهش می‌دهد و این به معنی به قهقرا رفتن صنعتی است که نقش اول در اقتصاد کشور را بازی می‌کند. ضمن آنکه گاز ایران نیز نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای صنعت نفت باشد. زیرا ایران تنها صادر کننده 3 درصد گاز دنیا است. ضمن آنکه بستن تنگه هرمز به معنی آغاز هجوم آمریکا به تاسیسات گازی و نفتی ایران است و این امر فاجعه‌ای برای ایران خواهد بود. در نتیجه انتظار می‌رود ایران برای جلوگیری از این فاجعه، باید در پی حل مشکل با آمریکا از راه‌های مسالمت‌آمیز باشد. اوضاع بسیار پیچیده شده است اما با توجه به سیاست ایران که حرکت تا اوج تنش و سپس عقب‌نشینی تدریجی است، حل مشکل از راه‌های مسالمت‌آمیز همچنان شدنی است.